

چالش‌های حقوقی-قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

محمد رضا رهبرپور* حسین نورمحمدی**

(تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۸)

چکیده؛

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۲۸۶ آن، جرم افساد فی الارض با مستندی عام، به فهرست عناوین مجرمانه اضافه گردید و در عمل به مباحث نظری در خصوص تفکیک یا عدم تفکیک آن از جرم محاربه پایان داد. اگرچه نقدهای فقهی جدی و متعددی بر مبانی این رویکرد جدید وارد است، اما این اقدام در مقایسه با مصداق‌گرایی سابق تلاشی درخور توجه به منظور رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات تلقی می‌گردد. پذیرش عنوان افساد فی الارض به عنوان یک جرم مستقل مستوجب حد، ایجاب می‌کند که مستند قانونی آن فارغ از مباحث فقهی و دیدگاه‌های مخالف و رقیب، مورد نقد حقوقی قرار گرفته، جنبه‌های مجهول آن کشف و شناسایی گردد. توسعه‌ی لجام گسیخته‌ی طرق تحقق رکن مادی این جرم، بی‌توجهی به کیفیت متفاوت تحقق این جرم در قانون مجازات اسلامی با سایر مصداق آن در قوانین خاص جزایی، فقدان ضابطه‌ی عینی و قابل ارزیابی در جهت افتراق میان متهمی که با وجود ارتکاب افعال مجرمانه متعدد، مشمول مقررات تعدد جرم بوده و از آثار ادغامی کیفر بهره‌مند است و متهمی که در شرایط مشابه در مظان اتهام افساد فی الارض قرار دارد و در نهایت به کارگیری الفاظ و عباراتی تفسیربردار همچون: «به‌طور گسترده» و «در حد وسیع»، تنها بخشی از چالش‌ها و ابهام‌های حقوقی-قضایی این مستند قانونی است.

واژگان کلیدی: حدود، افساد فی الارض، ارکان جرم افساد فی الارض، تعدد جرم افساد فی الارض

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده‌ی مسئول):
rahbarpour@atu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه؛

تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، به عنوان آخرین اراده‌ی قانون‌گذار حکایت از پذیرش و تصریح به حیثیت مستقل جرم افساد فی‌الأرض در مقایسه با جرم حدی محاربه دارد. اگرچه در خصوص اصل جرم‌انگاری افساد فی‌الأرض مستقل از جرم محاربه، مباحث انتقادی عدیده‌ای از منظر فقهی قابل طرح است (برهانی، ۱۳۹۴: ۲۰-۳۴)، اما به هر روی اکنون این ماده قانونی، یگانه مقررهای است که جرم افساد فی‌الأرض را با تبیین ارکان آن وارد نظام حقوقی ایران کرده است. لذا از این پس قطعاً شاهد استناد محاکم کیفری به آن خواهیم بود؛ از این رو لازم است تا با دقت در این ماده، جنبه‌های گوناگون جرم افساد فی‌الأرض تبیین شود. اگرچه اقدام قانون‌گذار در جرم‌انگاری افساد فی‌الأرض، به لحاظ تعیین شرایط، ارکان و کیفیت تحقق جرم، تلاشی درخور توجه در راستای رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات تلقی می‌گردد، لکن مستند قانونی آن دارای ابهام‌هایی است که بر نکات مثبت آن سایه افکنده است و پرسش‌هایی را به ذهن متبادر می‌کند؛ از آن جمله می‌توان این پرسش اساسی را مورد توجه قرار داد که تحقق جرم افساد فی‌الأرض با توجه به ارکان آن به چه کیفیتی بوده و آیا ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی کیفیت تحقق این جرم را در قوانین خاص جزایی تغییر می‌دهد؟ سؤال‌هایی از این قبیل، ناشی از ابهامات و اشکالات نگارشی مستند قانونی فوق است. در اهمیت موضوع همین بس که در صورت اثبات جرم افساد موضوع ماده ۲۸۶ ق.م.ا، مجازات سنگین و غیرقابل بازگشت سلب حیات و اعدام مرتکب، مورد حکم قرار خواهد گرفت، لذا لازم است تا شرایط و ارکان این جرم به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا از اعمال ناعادلانه‌ی چنین مجازات شدیدی جلوگیری گردد؛ بنابراین در نوشتار حاضر، نگارندگان تلاش خواهند کرد تا با پرهیز از ورود به بحث از مبانی فقهی مستندات جرم‌انگاری افساد فی‌الأرض و به دور از نقدهای اساسی بر

مبنای فقهی جرم‌انگاری آن که تاکنون موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است،^۱ به تشریح شرایط و ارکان جرم افساد فی الأرض پرداخته و به فراخور بحث، نکات انتقادی وارد بر هر قسمت مطرح شده و مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. ارکان جرم افساد فی الأرض؛

تحقق جرم افساد فی الأرض در خارج، همانند هر جرم دیگری مستلزم تکوین سه رکن قانونی، مادی و روانی است. در بخش نخست از این مقاله به بررسی ارکان سه‌گانه‌ی جرم افساد فی الأرض خواهیم پرداخت.

۱-۱. رکن قانونی جرم افساد فی الأرض

با نگاهی به فهرست قوانین جزایی، رکن قانونی جرم افساد فی الأرض را به دو شکل عام و خاص می‌توان ملاحظه نمود:

۱-۱-۱. رکن قانونی عام جرم افساد فی الأرض

رکن قانونی کلی و عام جرم افساد فی الأرض، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که راه‌های تحقق این جرم را در گستره‌ی وسیعی از جرایم پیش‌بینی نموده است. بر اساس ماده فوق: «هر کس به‌طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت

۱. تاکنون پژوهش‌های متعدد و عمیقی در مبنای و مستندات فقهی جرم افساد فی الأرض و تفکیک آن از جرم محاربه صورت پذیرفته است. به‌منظور آگاهی از دیدگاه‌های انتقادی از رویکرد مورد پذیرش قانون‌گذار ر.ک: هاشمی شاهرودی، محمود، محارب کیست محاربه چیست؟ فصلنامه فقه اهل‌بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، شماره ۱۱-۱۲ صص ۱۴۳-۲۰۰؛ برهانی، محسن، افساد فی الارض ابهام مفهومی و مفسد عملی، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲-۳ صص ۲۰-۴۴.

جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیعی گردد، مُفسد فی الأرض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد». در ادامه تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد، قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

۱-۱-۲. رکن قانونی خاص جرم افساد فی الأرض

با سیری در مقررات جزایی پس از انقلاب اسلامی، با قوانین متعددی مواجه می‌شویم که تحت شرایطی مرتکبین برخی جرایم خاص را مُفسد فی الأرض تلقی نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به برخی از این قوانین اشاره کرد:

مطابق ماده چهار قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقول که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مُفسد فی الأرض باشند، مجازات آن‌ها مجازات مُفسد فی الأرض خواهد بود» (شهری و همکاران، ۱۳۸۸، جلد ۱: ۱۰۲۷).

مطابق ماده ۲ از قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۱/۱۹: «هر یک از اعمال مذکور در ماده «از قبیل اخلال در نظام پولی، اخلال در نظم تولید، اخلال در امر توزیع و ...» چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الأرض باشد، مرتکب به

اعدام و در غیر این صورت ...» با دقت در قوانین مذکور، ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار بدون تبیین و توضیح شرایطی که در صورت تحقق آن‌ها، مرتکب جرم مفسد فی الأرض محسوب می‌شود، صرفاً به بیان عباراتی همچون «چنانچه در حد محاربه و افساد فی الأرض باشد» و یا «در صورتی که مصداق مفسد فی الأرض باشد» اکتفا نموده است و هیچ اشاره‌ای به سایر جزئیات نکرده که این تسامح قانون‌گذار در عدم تعیین دقیق ضوابط حاکم بر جرم افساد فی الأرض به درستی مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۹۵ و ۳۹۶).

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان مستند کلی و عام جرم افساد، شرایط و ضوابط حاکم بر این جرم را با کیفیت دقیق‌تری در مقایسه با قوانین مذکور، بیان نموده است. شرایطی همچون، گسترده بودن جرم ارتكابی، وسیع بودن آثار و نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه، وجود قصد خاص اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع، به ندرت در قوانین خاص جزایی لحاظ گردیده است؛ بنابراین ساختار رکن مادی و سایر شرایط تحقق جرم افساد فی الأرض در قانون مجازات اسلامی با سایر مصادیق افساد فی الأرض در قوانین خاص جزایی تا حدی متفاوت است و ممکن است این شائبه را به دنبال داشته باشد که تحقق افساد فی الأرض در قوانین خاص جزایی کماکان تابع شرایط مذکور در قوانین مربوطه است؛ خصوصاً با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان مبنی بر عدم صلاحیت رد و ابطال، نقض و فسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط سایر مراجع قانون‌گذاری، از پذیرش این دیدگاه امتناع شود که با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، رعایت شرایط و قیود مذکور در این قانون در سایر مصادیق خاص افساد فی الأرض الزامی خواهد بود. با این حال، بنا به دلایلی که ذیلاً ذکر خواهد شد، به نظر می‌رسد اعمال شرایط و ضوابط حاکم بر افساد فی الأرض به شرح موجود در ماده ۲۸۶ ق.م.ا در سایر مصادیق آن در قوانین خاص جزایی الزامی خواهد بود.

الف) اعمال شرایط مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در سایر مصادیق جرم افساد فی الأرض در قوانین خاص جزایی، حتی با فرض تصویب قانون خاص جزایی توسط مجمع

تشخیص مصلحت نظام، به معنی نسخ کلی یا جزئی آن نیست، بلکه ابهام موجود در کیفیت تحقق جرم افساد در قوانین خاص مذکور جزایی را که ناشی از تسامح قانون گذار است، مرتفع ساخته است.

ب) افساد فی الأرض در زمره‌ی جرایم حدی است و علی القاعده، کیفیت تحقق آن باید مقتبس از شرع مقدس باشد و قانون گذار نقشی جز بیان اراده‌ی شارع در قالب الفاظ و عبارات قانونی ندارد. ارزش و اعتبار عبارات قانونی نیز تا زمانی است که مغایرتی با موازین شرعی نداشته باشد، امری که مورد تأکید اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است؛ بنابراین صرف نظر از اینکه قانون مورد استناد، توسط مجلس شورای اسلامی و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده باشد، آن قانونی که در مقام تعریف و تبیین شرایط حدود الهی، بیشترین تطابق را با موازین شرع داشته باشد، در اولویت استناد خواهد بود؛ با این توضیح که در صورت ابهام یا اجمال و هرگونه نارسایی عبارات قانونی، تمسک و استناد به دیگر قوانین ناظر به حد مربوطه، نه تنها خلاف مقررات جاری تلقی نمی‌گردد، بلکه اقدامی مطابق احتیاط، عقل، موازین شرعی و قانون است. نمونه‌ای از نظرات مراجع عظام تقلید حکایت از تطابق بیشتر حکم افساد فی الأرض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با موازین فقهی، در مقایسه با سایر مصادیق آن در قوانین خاص جزایی دارد؛ نقل استفتاء از آیت ... مکارم شیرازی و پاسخ ایشان به شرح زیر مناسبت دارد:

- درباره مفسد فی الأرض بفرمایید مراد از افساد فی الأرض چیست و چه ملاکی دارد؟
- محارب به کسی گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماعی ایجاد ناامنی کند و مفسد فی الأرض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود، هر چند بدون توسل به اسلحه باشد مانند قاچاقچیان مواد مخدر و

کسانی که مراکز فحشاء را به طور گسترده ایجاد می‌کنند (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۶۴۸۴).^۱

پ) کیفیت و نحوه تحقق جرم افساد فی الأرض بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، در مقایسه با سایر مصادیق آن در قوانین خاص جزایی به مراتب دشوارتر است، این دشواری ناشی از پیش‌بینی شرایط خاصی همچون گسترده بودن افعال ارتكابی، وسیع بودن دامنه‌ی آثار و نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه و اثبات قصد خاص مجرمانه متهم به نحو پیش‌بینی شده در تبصره این ماده است، لذا رعایت حقوق دفاعی متهم، قاعده احتیاط در دماء مسلمین و در نهایت عمل به آخرین اراده قانون‌گذار در مقام بیان شرایط و کیفیت تحقق جرم افساد فی الأرض، به کارگیری شرایط و ضوابط مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را تجویز می‌نماید.

۲-۱. رکن مادی جرم افساد فی الأرض

با توجه به مصادیق مجرمانه مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا، تحقق جرم افساد فی الأرض در اغلب موارد صرفاً از طریق ارتكاب فعل مادی خارجی امکان‌پذیر است. به صراحت ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، امکان تحقق جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی از طریق ترک وظیفه خاصی که قانون بر عهده فرد نهاده یا خود انجام آن را بر عهده گرفته است، به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین تنها در صورتی که ارتكاب جرم افساد فی الأرض از طریق جنایت گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد باشد، امکان تحقق آن از طریق ترک فعل امکان‌پذیر است. با توجه به منطوق ماده ۲۸۶، قانون‌گذار در رابطه با رکن مادی بیش از هر چیز به گستردگی اقدامات مرتکب و وسعت نتایج زیان‌بار حاصله توجه داشته است و اوصاف مذکور نقش اساسی و محوری در ساختار جرم افساد فی الأرض ایفا می‌نماید. در واقع قانون‌گذار نگرشی بدیع به این بخش از آیه

۱. همچنین ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، مجموعه استفتائات جدید، نشر مدرسه الامام علی (ع)، ص ۵۰۰ و منتظری، حسینعلی، رساله استفتائات، قم، بی‌تا، ص ۵۲۱ و ۵۲۲ و موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، گنجینه استفتائات قضایی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضاء قم، سؤال ۶۴۸۴.

۳۳ سوره مبارکه مائده داشته است که می‌فرماید: «و یسعون فی الأرض فساداً» و بر این اساس فساد فی الأرض را در وسعت و گستردگی جرایم ارتكابی محقق دانسته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۲۳۷). وسیع و گسترده بودن جرایم ارتكابی مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا را که در حقیقت مربوط به رکن مادی جرم افساد فی الأرض است، می‌توان بر ویژگی‌ها و اوصاف زیر منطبق دانست:

۱-۲-۱. تعدد و تکرار افعال مجرمانه

«گسترده» در لغت به معنای «پهن کردن» و «پهن شده» (معین، ۱۳۸۹: ۹۹۳) است. آنچه از عبارت «به‌طور گسترده» در صدر ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به دلالت قرینه موقعیت، تناسب حکم و موضوع و نیز سبک و سیاق ماده استنباط می‌شود، تعدد و تکرار مصادیق رفتارهای مجرمانه است. در واقع وصف گسترده، قیدی برای رفتار و ناظر به کمیت ارتكاب افعال مجرمانه است و به کیفیت نتایج حاصله آن که در فراز پایانی ماده ۲۸۶ به آن اشاره شده، ارتباطی ندارد؛ بنابراین صرف وسعت دامنه آثار و نتایج زیان‌بار ناشی از ارتكاب فعل واحد مجرمانه نمی‌تواند مصداق افساد فی الأرض تلقی گردد. به‌عنوان مثال چنانچه فردی با ارتكاب یک فقره قتل عمدی که کیفیت ارتكاب رکن مادی و سلب حیات مقتول به شدت دلخراش بوده و موجب اخلال در نظم عمومی و بروز احساس ناامنی گسترده در جامعه گردد، به فرض احراز و اثبات قصد خاص متهم مبنی بر ایجاد ناامنی گسترده عمومی، به لحاظ فقدان شرط تعدد و تکرار افعال مجرمانه، نمی‌توان وی را مفسد فی الأرض تلقی نمود. این تفسیر از قید «گسترده» با اصول حقوقی و قواعد فقهی همچون: قاعده درأ، بناء حدود بر تخفیف و تفسیر به نفع متهم سازگاری دارد.

۱-۲-۲. وسعت دامنه نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه

«وسیع» و «عمده» که در ماده ۲۸۶ ق.م.ا به‌عنوان اوصاف نتایج جرم افساد فی الأرض ذکر شده است، در لغت به ترتیب به معنای «فراخ»، «برجسته و بسیار از هر چیز» است (معین، همان: ۷۴۳). هرچند قانون‌گذار تعریف مشخصی از این اوصاف ارائه ننموده است لکن اداره حقوقی قوه

قضایه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۸۴۷ تعیین و تشخیص مصادیق منطبق با قید «عمده» را بر عهده قاضی رسیدگی کننده دانسته است. قیود مزبور و نیز عبارت «به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ...» در فراز پایانی ماده ۲۸۶ ق.م.ا، مرتبط با رکن مادی بوده و حکایت از شرط لازم و ضروری وسعت قلمرو آثار زیان‌بار مستقیم، به عنوان نتیجه خاص مجرمانه برای جرم افساد فی الأرض به عنوان یک جرم مقید دارد. صرف تعدد و تکرار افعال مجرمانه، لزوماً به مفهوم تحقق آثار و نتایج مذکور نخواهد بود، بلکه وسعت قلمرو نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه، مستقل از شرط تعدد و تکرار افعال مجرمانه و متأثر از مؤلفه‌هایی چون ترتیب زمانی و محل ارتکاب جرایم قابل شناسایی است؛ بنابراین چنانچه فردی جرایمی همچون تخریب، احراق، ایراد ضرب و جرح عمدی و نشر اکاذیب را با فاصله‌های زمانی از یکدیگر به ترتیب در سال‌های مختلف مرتکب شود، هر چند شرط گسترده بودن به معنای تعدد افعال مجرمانه وجود دارد لکن انقطاع تسلسل و گذشت زمان نسبتاً طولانی در ارتکاب هر یک از افعال مجرمانه فوق، مانع از تحقق شرط وسعت نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه خواهد شد. توضیح آن که نتایج مذکور در فراز پایانی ماده ۲۸۶، از قبیل ناامنی، اختلال شدید در نظم عمومی کشور و وسعت قلمرو این آثار، بیش از هر چیز حاصل انگاره‌ی ذهنی شهروندان و بازتاب افکار عمومی جامعه است که در فرض بالا آثار و تبعات منفی هر یک از جرایم در اذهان و افکار عمومی جامعه، پیش از ارتکاب جرم یا جرایم بعدی محو شده و حساسیت جامعه و شهروندان از بین رفته است و در واقع در چنین شرایطی آثار و نتایج فوق محقق نشده است. در اینجا اشاره به این نکته لازم است که پوشش هدف‌مند، جهت‌دار و بعضاً جناحی برخی رسانه‌های جمعی نوشتاری و شبکه‌های اجتماعی از رویدادهای مرتبط با جرم و بازتاب نامناسب اخبار مربوط به آن و هدایت افکار عمومی به سمت وسوی خاص، نتایجی شبیه آنچه در فراز پایانی ماده ۲۸۶ به آن‌ها اشاره شده، به دنبال خواهد داشت. در چنین شرایطی استناد نتایج مزبور به عمل مرتکب خالی از ایراد و اشکال نبوده، تحقق جرم افساد فی الأرض با تردید جدی مواجه است.

۱-۲-۳. ارتکاب رفتارهای مجرمانه خاص به صورت مباشرت یا معاونت

عنصر مادی جرم افساد فی الأرض بر اساس ماده ۲۸۶ ق.م.ا، عبارت است از مباشرت یا معاونت در جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق، تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و دایر کردن مراکز فساد و فحشا. اگرچه ارتکاب این اقدامات در حالت عادی فی نفسه جرم بوده و مجازات خاص خود را در پی خواهد داشت، لکن هنگامی که این جرایم به نحو گسترده و با نتایج زیان بار وسیع اتفاق بیفتند، رکن مادی جرم مستوجب حد افساد فی الأرض را تشکیل می دهند. در بخش دوم این مقاله، هر یک از این رفتارهای مجرمانه را به عنوان بخشی از عنصر تشکیل دهنده رکن مادی جرم افساد فی الأرض مورد نقد و ارزیابی تفصیلی قرار خواهیم داد.

۱-۳. رکن روانی جرم افساد فی الأرض

افزون بر شرایط عمومی رکن روانی جرایم، به صراحت ماده ۲۱۷ ق.م.ا، آگاهی مرتکب از حرمت شرعی رفتار ارتكابی، شرط لازم برای تحقق افساد فی الأرض به عنوان یکی از حدود الهی است. سیاق این مستند قانونی علاوه بر تفسیر به نفع متهم، از تکلیف مقام قضایی به اثبات آگاهی مرتکب حکایت دارد. البته صرف مسلمان بودن شخص، به لحاظ تکلیف شرعی بر فحوص و یادگیری احکام شرعی، دلالت بر فرض آگاهی مرتکب از حرمت رفتار ارتكابی دارد و تکلیف مقام قضایی در اثبات آگاهی مرتکب، ناظر به موردی است که متهم مدعی عدم آگاهی از حرمت شرعی رفتار ارتكابی باشد که حتی با فرض طرح چنین ادعایی از جانب مرتکب، صرف اثبات تمکن وی در یادگیری حکم شرعی، کافی به نظر می رسد و به حکم قاعده «الجاهل المقصر فی حکم العاقد» ادعای جهل مرتکب و اثبات آن مانعی جهت تحقق جرم افساد فی الأرض نخواهد بود (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۶۶، ۶۷). باین حال چگونگی آگاهی متهم به حرمت شرعی رفتار ارتكابی، به لحاظ چالش های نظری جدی پیرامون مستندات شرعی و مبانی فقهی این جرم، محل تأمل جدی است.

۱-۳-۱. سوءنیت عام جرم افساد فی الأرض

سوءنیت در معنای عام آن، زمانی است که فرد اراده‌ی ارتکاب فعلی که قانون‌گذار آن را منع کرده است، داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۵، جلد ۱: ۲۴۲). تردیدی نیست که جرم افساد فی الأرض در زمره‌ی جرایم عمدی است و شرایطی از قبیل مستی و اجبار که اختیار مرتکب را زائل یا مخدوش می‌نماید، مانع از تحقق جرم می‌شود. باین حال، ساختار متفاوت رکن مادی و به تبع آن سوءنیت عام جرم افساد فی الأرض را نباید از نظر دور داشت. رکن مادی این جرم متشکل از جرایم متعدد مقدماتی دیگری است که با رعایت سایر شرایط، بستر تحقق این جرم را فراهم خواهد ساخت. در نتیجه منظور از اراده‌ی ارتکاب در جرم افساد فی الأرض، اراده در ارتکاب جرایم مقدماتی مذکور در ماده ۲۸۶ است؛ بنابراین در فرض تعدد افعال مجرمانه، حتی با عدم اراده ارتکاب به مفهوم فقدان سوءنیت عام در برخی از جرایم مقدماتی مذکور در ماده فوق، در صورتی که وصف تعدد در افعال مجرمانه کماکان بر سایر اعمال مجرمانه‌ی مرتکب حاکم باشد، امکان تحقق جرم افساد فی الأرض با رعایت سایر شرایط متصور خواهد بود.

۱-۳-۲. سوءنیت خاص جرم افساد فی الأرض

برخلاف مفهوم انگیزه که هدف غایی و منظور نسبتاً بعید مرتکب بوده و در جرایم واحد به یک گونه نیست، سوءنیت در معنای خاص آن با تمایل مرتکب در تحصیل نتایج معین و معلوم برخلاف نیت قانون‌گذار مرتبط و در جرایم واحد همواره یکسان است (همان: ۲۴۰). از این رو این سؤال اساسی مطرح خواهد شد که مصادیق مذکور در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا. منطبق با کدام یک از مفاهیم انگیزه یا سوءنیت خاص مجرمانه خواهد بود؟ اگر چه دیدگاه گروهی که چنین مصادیقی را انگیزه مجرمانه تلقی می‌نمایند تا حدودی قابل دفاع است، لکن به دلایلی که ذیلاً اشاره خواهد شد این موارد به مفهوم سوءنیت یا قصد خاص مجرمانه نزدیک‌تر است:

الف) قانون گذار در تبصره مذکور، صراحتاً از این موارد به عنوان قصد مجرمانه تعبیر نموده است و خروج از نصوص و ظواهر الفاظ و عبارات قانون بدون وجود قرینه معتبر فاقد وجاهت قانونی است.

ب) بنابر تعریف ارائه شده از مفاهیم انگیزه و سوءنیت خاص و نیز آثار و نتایجی که بر هر یک از این مفاهیم مترتب است، انگیزه مجرمانه توانایی تغییر ماهیت، وصف و عنوان عمل مجرمانه را ندارد و صرفاً در مواردی تخفیف در میزان مجازات قانونی را در پی خواهد داشت. این در حالی است که مصادیق مذکور در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا در صورت عدم احراز، وصف کیفری رفتار مجرمانه ارتكابی از جانب متهم را از افساد فی الأرض به جرم خاص تعزیری تغییر خواهد داد.

پ) تمسک به این استدلال که مصادیق مذکور در تبصره این ماده متعدد بوده و از این جهت با تعریفی که حقوقدانان از انگیزه مجرمانه ارائه نموده‌اند، قرابت بیشتری خواهد داشت، در اثبات این ادعا چندان مؤثر نیست؛ زیرا هیچ منع قانونی، در مقام توسعه مصادیق سوءنیت یا قصد خاص مجرمانه از جانب قانون گذار وجود ندارد. به دیگر بیان تعیین و تحدید دامنه‌ی سوءنیت خاص مجرمانه به عنوان بخشی از رکن روانی جرم، با در نظر داشتن مؤلفه‌های مؤثر مربوطه از وظایف و اختیارات قانون گذار است. به هر حال باید پذیرفت چنانچه مصادیق مذکور در تبصره این ماده، قصد خاص مجرمانه تلقی شوند، اثبات آن با اعمال ضابطه عینی و در قالب قصد غیرمستقیم تبعی، به مراتب آسان‌تر از شرایطی خواهد بود که این موارد انگیزه‌ی مجرمانه تلقی گردند. به مناسبت بررسی قصد خاص مجرمانه جرم افساد فی الأرض که به قید حصر در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا به موارد آن اشاره شده است، نکات ذیل لازم به ذکر خواهد بود:

اولاً) حسب تصریح به لفظ دادگاه در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا ممکن است تصور شود که بر اساس این تبصره، دادسرا به عنوان نهاد تعقیب و تحقیق، اساساً فاقد هرگونه حق و تکلیفی در این خصوص است. با این حال، دادسرا به عنوان نهاد تعقیب، مکلف به تحقیق و تفهیم اتهام به متهم

جرم افساد فی الأرض است؛ بنابراین در صورتی که مقام قضایی در دادسرا، در فرایند تحقیقات مقدماتی و جمع آوری ادله به نفع متهم یا علیه وی، قصد خاص مجرمانه‌ی متهم را که به قید حصر در تبصره ماده ۲۸۶ ذکر گردیده است محرز و مسلم نداند، امکان عدول از اتهام تفهیمی سابق مبنی بر افساد فی الأرض و اصلاح و تفهیم آن به شرح جرم خاص تعزیری در فراز پایانی تبصره مذکور را دارد.

ثانیاً) در رابطه با صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به جرم افساد فی الأرض باید گفت که در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، به لحاظ صلاحیت عام دادسرای عمومی و انقلاب، مقامات قضایی این دادسرا با فرض اثبات قصد خاص متهم و یا عدم احراز آن، صلاحیت ادامه تحقیقات مقدماتی، صدور قرار جلب به دادرسی و در نهایت کیفرخواست را خواهند داشت. باین حال در مرحله‌ی رسیدگی و صدور حکم، مطابق ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرم افساد فی الأرض در محاکم انقلاب به عمل می‌آید؛ بنابراین پرونده قضایی متهمی که کیفرخواست آن بر اساس اتهام افساد فی الأرض صادر شده است به محاکم انقلاب ارسال خواهد شد و چنانچه دادگاه انقلاب در فرآیند رسیدگی، قصد خاص متهم به شرح مذکور در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا را احراز ننماید، به لحاظ عدم صلاحیت ذاتی و در اجرای فراز پایانی تبصره مذکور، پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به محاکم کیفری دو ارسال می‌نماید؛ چراکه صلاحیت محاکم اختصاصی محدود به مصادیق مصرح قانونی است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۲: ۱۳۳) و جرم موضوع تبصره ماده ۲۸۶ در زمره‌ی جرایم خاص تعزیری است که با تکیه بر استدلال فوق در صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار دارد.

ثالثاً) مطابق تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا، در صورت عدم احراز قصد خاص مجرمانه توسط دادگاه و عدم شمول مجازات قانونی دیگری بر افعال ارتكابی، مرتکب به حبس تعزیری محکوم خواهد شد. این تبصره دارای فروض مختلفی به شرح ذیل خواهد بود:

الف) با احراز قصد خاص مرتکب، مطابق با این تبصره، با رعایت سایر شرایط مقرر قانونی، مورد منطبق با افساد فی الأرض بوده و مرتکب به اعدام محکوم خواهد شد.

ب) با عدم احراز قصد خاص مرتکب، چنانچه عمل ارتكابی مشمول عنوان و مجازات قانونی خاصی باشد، به مجازات قانونی همان عنوان خاص محکوم خواهد شد.

ج) با عدم احراز قصد خاص مرتکب، چنانچه عمل ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم خواهد شد. در رابطه با بندهای «ب» و «ج» باید خاطر نشان ساخت چنانچه منظور قانون گذار از عبارت «جرم ارتكابی» در این تبصره تک تک جرایم مقدماتی مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. باشد، تعیین مجازات تعزیری درجه پنج یا شش در شرایطی که کلیه مصادیق مذکور دارای مجازات مستقل و مشخص قانونی هستند، عملی لغو و بیهوده خواهد بود. البته چنین فرضی بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که قانون گذار ابتدا از عبارت «اقدامات انجام شده» که حکایت از تعدد افعال مجرمانه دارد و در پایان از عبارت «جرم مرتکب» در رابطه با مجموع اقدامات انجام شده استفاده نموده است. همچنین ممکن است در رابطه با پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک که به ظاهر بدیع به نظر می‌رسد، شائبه فقدان وصف کیفری به ذهن متبادر گردد که با بررسی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، این اقدام نیز به لحاظ حمل و نگهداری، صرف نظر از نتایج حاصله مشمول ماده ۳ قانون مذکور خواهد بود. چنانچه منظور قانون گذار از بند ج تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا، مجموع اقداماتی است که متهم در راستای افساد فی الأرض مرتکب شده است، این اشکال جدی وارد خواهد بود که با عدم اثبات جرم افساد فی الأرض، متهم باید صرفاً به مجازات تعزیری جرایمی که در این راستا مرتکب گردیده و هر یک نیز دارای مجازات مشخص قانونی است محکوم گردد و چنانچه قبلاً مجازات تعزیری مربوطه را تحمل نموده باشد، بنا بر قاعده کلی با عدم اثبات حد، مجازاتی جایگزین آن نخواهد شد و تعیین مجازات تعزیری جدید با تکیه بر چنین روشی پذیرفتنی نیست. به دیگر بیان، تعیین مجازات تعزیری بر اساس

تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا، بدون توجه به عنوان، ارکان و کیفیت تحقق جرم تعزیری در مخالفت آشکار با اصل قانونی بودن جرم است. در مقام رسیدگی، مراجع قضایی نیز با مشکل روبه‌رو خواهند شد؛ چراکه اساساً عنوان جزایی اقدامات مذکور مشخص نبوده و امکان تفهیم آن به متهم امکان‌پذیر نیست.

۲. طرق تحقق جرم افساد فی الأرض در قانون مجازات اسلامی

افعال مجرمانه مقدماتی مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا برای تحقق جرم افساد فی الأرض انحصاری هستند؛ بنابراین ارتکاب هر عمل مجرمانه دیگر هر چند به قصد ایجاد ناامنی و با تعدد و تکرار، به لحاظ خروج از موضع نص، نمی‌تواند مصداق افساد فی الأرض باشد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۳ در رابطه با ماده ۲۰۱ لایحه حدود و قصاص ۱۳۶۱ که در تعریف مفسد فی الأرض چنین اشعار می‌داشت: «هر فرد یا گروهی که با توجه به آگاهی دست به عملی زند که سلامت جامعه اسلامی را در قسمتی از زمین به خطر اندازد مفسد فی الأرض است» چنین اظهار نظر نمود که ماده ۲۰۱ حذف شده و مصادیق لازم از قبیل مراکز فساد، عشرتکده و امثال آن صراحتاً ذکر گردد (بای، ۱۳۹۰: ۴)؛ بنابراین به نظر می‌رسد عمده دلیل تأیید ماده ۲۸۶ ق.م.ا از جانب شورای نگهبان، رویکرد مصداق‌گرایی و انحصار مصادیق مجرمانه افساد فی الأرض در این مستند قانونی است، لکن متناجس بودن افعال مجرمانه مقدماتی، شرط تحقق جرم افساد فی الأرض نیست؛ به طور مثال چنانچه فردی مرتکب یک فقره احراق، یک فقره تخریب و یک فقره نشر اکاذیب گردد، امکان تطبیق اعمال وی با جرم افساد فی الأرض متصور است.

۱-۲. جنایت علیه تمامیت جسمانی

جرایم علیه اشخاص جرایم ضد شخص و فرد است. از آنجا که هر شخص دارای دو بعد مادی و معنوی یا جسمانی و روانی است، جرایم علیه اشخاص نیز به دو بخش جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی افراد تقسیم می‌شود (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۴). جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

که در فقه جزایی به عنوان «جنایات» مورد بحث قرار گرفته است، از مهم‌ترین جرایمی است که حق حیات آدمی و اصل مصونیت از تعدی و تعرض را هدف قرار داده است و در قوانین جزایی شدیدترین واکنش کیفری برای آن پیش‌بینی شده است (صادقی، ۱۳۸۵: ۳۴). بنا بر اطلاق ماده ۲۸۶ ق.م.ا، جنایات علیه تمامیت جسمانی، کلیه جرایم عمدی را که متوجه جسم انسان بوده و مستلزم قصاص، حبس تعزیری و یا پرداخت دیه از جانب مرتکب است، شامل خواهد بود؛ به عنوان مثال، ایراد ضرب عمدی منتهی به شکستن استخوان و از بین رفتن منافع اعضاء و یا تغییر رنگ پوست، کلیه اقسام جرح عمدی همچون حارصه و دامیه و در نهایت بالاترین مصداق جنایت که عبارت است از قتل عمدی، جملگی داخل در عنوان مذکور خواهند بود. ممکن است قید «ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد» این شبهه را به ذهن متبادر سازد که مصادیقی همچون ایراد ضرب عمدی منتهی به تغییر رنگ پوست و یا ایراد جرح عمدی در حد حارصه، خسارت عمده نبوده؛ بنابراین از شمول این ماده خارج است. باین حال، تردیدی نیست که تحقق جرم افساد فی الأرض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد صرفاً محدود به بروز نتیجه‌ی مشخص خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد نیست و چنانچه تعدد و تکرار ایراد ضرب و جرح عمدی، موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور یا ناامنی گردد، در صورت احراز و اثبات سایر شرایط، مشمول عنوان افساد فی الأرض خواهد بود. بدیهی است با قید «جسمانی» کلیه جرایمی که علیه شخصیت معنوی و سایر ارزش‌های انسانی و آزادی تن و اراده افراد هستند؛ از قبیل توهین، تهدید و آدم‌ربایی از شمول این فقره از ماده ۲۸۶ ق.م.ا خروج موضوعی دارد. در خصوص جرم ایراد ضرب عمدی فاقد آثار ظاهری و بالینی اعم از تغییر رنگ پوست بدن و یا تورم که تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اختلاف نظر حقوقدانان را در باب ماهیت آن به دنبال داشت، اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۶۹۱۶ به تاریخ ۶/۱۰/۶۷، آن را به لحاظ عدم ثبوت قصاص یا عدم گذشت شاکی خصوصی مستلزم تعیین ارش توسط حاکم تلقی نموده بود (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳۵). از فحوای کلام برخی حقوقدانان نیز چنین

برمی‌آید که تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنین عملی را حداقل در برخی موارد با رعایت سایر شرایط، مصداق توهین از طریق ارتکاب فعل می‌دانند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، جلد ۱: ۴۷۸). در حال حاضر چنین عملی مطابق ماده ۵۶۷ ق.م.ا جرمی خاص تعزیری و مستلزم حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت است که اطلاق جنایت علیه تمامیت جسمانی بر آن به شدت محل تردید است و در نتیجه مشمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا نخواهد بود.

۲-۲. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

جرایم علیه امنیت اعمال مجرمانه‌ای هستند که به منظور برهم زدن امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور و یا ضدیت با نظام اسلامی و براندازی آن صورت می‌پذیرد و غالباً به صورت جمعی و سازمان‌یافته یا تبانی و تحریک و مساعدت دول خارجی و قدرت‌های بیگانه واقع می‌شود (سالاری، ۱۳۸۴: ۴۲). طیف گسترده‌ای از جرایم وجود دارد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور در ارتباط است، لکن به دلیل عدم ارائه ضابطه و معیار مشخص قانونی و یا احصاء آن‌ها توسط قانون‌گذار، امکان تشخیص آن‌ها به آسانی میسر نیست. صرف نظر از تعاریف موجود، اعمال توأمان ضابطه‌ی عینی و ذهنی و کسب نظریه‌ی مشورتی نهادهایی همچون شورای عالی امنیت ملی در تشخیص چنین جرایمی تا حدی راهگشا است. ضابطه‌ی عینی به مفهوم توجه به آثار و نتایج مستقیم فعل مجرمانه (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۶۴) و همچنین ماهیت فعل ارتكابی است که آیا ذاتاً در تقابل و یا تهدیدی برای امنیت داخلی و خارجی کشور به شمار می‌رود؟ ضابطه ذهنی به مفهوم توجه به انگیزه و اهداف مرتکب است (همان: ۲۶۵). باید توجه داشت انگیزه امری است درونی و قاعدتاً بر کسی جز مرتکب جرم آشکار نیست. با این حال با استفاده از قرائن امارات قانونی و قضایی امکان احراز و اثبات انگیزه تا حدودی میسر است. به عنوان مثال: قتل یک مقام بلند پایه سیاسی توسط اعضای احزاب مخالف و با علم به موقعیت و جایگاه فعلی و سابق مقتول، با عنوان «ترور» و قتل همین فرد توسط یک فرد عادی بدون توجه به موقعیت سیاسی مقتول، با «جنایت علیه تمامیت جسمانی» انطباق بیشتری خواهد داشت. البته

اطلاق ترور بر چنین عملی، نافی قتل عمدی شمرده شدن آن در فرض پیشین نیست. نتیجه آنکه، هر کس جرم جعل عناوین و غضب مشاغل دولتی را به طور مکرر و با انگیزه ایجاد صدمه به امنیت کشور مرتکب شود و پوشش رسانه‌ای و جهت‌دار این موضوع، در عمل نیز منجر به اختلال در نظم و صدمه به امنیت داخلی کشور شود، مشمول عنوان افساد فی‌الأرض نخواهد بود؛ زیرا با اعمال ضابطه‌ی عینی و از این حیث که اساساً و بالذات جرمی علیه امنیت کشور تلقی می‌گردد یا خیر، به آسانی با پاسخ منفی مواجه خواهیم شد. با این توضیح، مواد ۴۹۸ به بعد بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی و نیز مصادیق مذکور در قوانین خاص جزایی همچون قانون اختلال در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹، قانون راجع به مجازات اختلال گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ و برخی قوانین دیگر، جملگی مشمول عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشند. در اینجا لازم است اشاره‌ای نیز به جرم سیاسی شود. صرف نظر از اختلاف نظری که میان حقوق دانان در مقایسه میان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و جرم سیاسی وجود دارد و ناشی از نگرش و نگاه متفاوت آنان به این قبیل جرایم است، به نظر می‌رسد تا زمانی که تعریفی قانونی از جرم سیاسی ارائه نشده است، این جرم، جرمی علیه امنیت داخلی کشور تلقی خواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، جلد ۳: ۶۶).

۲-۲-۱. نشر اکاذیب

یکی از بحث‌برانگیزترین مصادیقی که تحقق افساد فی‌الأرض با ارتکاب آن ممکن دانسته شده است، جرم نشر اکاذیب است. از چالش‌های موجود آن است که چگونه از تکرار جرم قابل گذشت نشر اکاذیب که حتی با فرض گستردگی وقوع آن، نتایج مذکور در فراز پایانی ماده ۲۸۶ بسیار دور از ذهن است، افساد فی‌الأرض تحقق می‌یابد؟ به دیگر بیان، سایر مصادیق مذکور در این ماده، در مقام ایجاد نتایج مذکور در فراز پایانی آن از ظرفیت نسبتاً بالاتری در مقایسه با جرم نشر اکاذیب برخوردار هستند. قرار گرفتن جرم نشر اکاذیب بر کنار جرایم علیه امنیت، اختلال

در نظم اقتصادی و دایر کردن مراکز فساد و فحشا، غیرقابل انتظار و ناهمگون جلوه می‌نماید. در مقابل، عدم تصریح به جرمی همچون آدم‌ربایی که در صورت ارتکاب مکرر و سازمان‌یافته، قطعاً نتایج مذکور در ذیل ماده ۲۸۶ را به دنبال خواهد داشت و مصداق بارز افساد فی الأرض در کتب معتبره فقهی تلقی می‌گردد، جای تعجب دارد. با این وجود، به فراخور بحث نکاتی پیرامون این جرم ذکر می‌گردد.

الف) نشر اکاذیب به هردو شکل آن اعم از ارتکاب آن در فضای مجازی و از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و مخبراتی موضوع قانون جرایم رایانه‌ای و یا ارتکاب آن به نحو مذکور در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ با احراز و اثبات سایر شرایط، مشمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا. خواهد بود.

ب) همانگونه که پیش‌ازین گذشت، «گسترده‌گی» قیدی است ناظر به تعداد و تکرار، بنابراین با ارسال یک پیامک برای طیف گسترده‌ای از مردم که ضمن آن اکاذیبی به مسئولین کشوری نسبت داده شده است، مصداق افساد فی الأرض نخواهد بود. همچنین اگر فردی اکاذیبی را به دیگری نسبت دهد که دامنه مخاطبین پیامک‌های او افراد معدودی باشند، شرط است که این اکاذیب مستقیماً از جانب وی نشر یافته باشد؛ در نتیجه اگر شخص (الف) ضمن ارسال پیامی برای شخص (ب) اکاذیبی را به یکی از مسئولین نظام نسبت دهد و شخص (ب) همین پیام را برای دو نفر ارسال کند و هرکدام از آنان این پیام را بدون هماهنگی با شخص (الف) برای تعدادی دیگر ارسال کنند و ...، حتی اگر در نهایت طیف گسترده‌ای از مردم مخاطب این پیام قرار گیرند، به لحاظ فقدان شرط تعدد یا تکرار افعال مجرمانه، افساد فی الأرض محقق نخواهد بود.

۲-۲-۲. اخلال در نظام اقتصادی

با سیری در قانون‌گذاری پس از انقلاب اسلامی، قانونی که به صورت هدف‌مند و با رویکرد حمایت از نظام و ساختار اقتصادی کشور تدوین شده باشد، به‌ندرت مشاهده می‌گردد. در سال

۱۳۶۹ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی و پس از آن قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باهدف کاهش آسیب‌های ساختار اقتصادی در سطوح میانی و کلان تصویب گردید. آنچه در ماده ۲۸۶ ق.م.ا به‌عنوان اخلال در نظم اقتصادی در زمره‌ی طرق افساد فی‌الأرض بیان گردیده است، غالباً ناظر به جرایمی است که در این قوانین به آن‌ها اشاره گردیده و موضوع بحث در حقوق کیفری اقتصادی هستند. گرایش حقوق کیفری اقتصادی عمدتاً در خصوص ماهیت و طبع قضایی و عناصر اختصاصی فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه و غیرمجاز اشخاص حقیقی و حقوقی مطرح در قانون است که به قصد ثروت‌اندوزی و صدمه زدن به منافع عمومی و اخلال در نظام اقتصادی کشور ارتکاب می‌شوند (ولیدی، ۱۳۹۳: ۳۸). مطابق الحاق یک بند و یک تبصره به ماده‌ی یک قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، اقداماتی که در کشور تحت عنوان فعالیت‌های هرمی و شبکه‌ای مرسوم و از شیوع زیادی نیز برخوردار است، جرم تلقی شده و مرتکب حسب مورد به مجازات قانونی مربوطه محکوم خواهد شد؛ بنابراین فرد یا افراد در رأس هرم و شبکه عضوگیری، با رعایت سایر شرایط مقرر قانونی و همچنین انتساب رکن مادی جرایم اعضای زیرمجموعه و یا معاونت در جرایم آنان به شرح پیش‌گفته، در مظان اتهام افساد فی‌الأرض قرار خواهند داشت.

۲-۲-۳. احراق و تخریب

در خصوص دو جرم احراق و تخریب که به تفصیل در کتب حقوق جزای اختصاصی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند، اشاره به این موضوع مفید به نظر می‌رسد که با لحاظ قید «عمده» در رابطه با ورود خسارت به اموال عمومی و خصوصی، مصادیق بسیاری از جرایم احراق و تخریب که عرفاً خسارت جدی در پی ندارند، از شمول افساد فی‌الأرض خارج هستند.

۲-۲-۴. پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک

پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک با اهداف و اغراض مشخص (بیوتروریسم) بر اساس تعریف پلیس بین‌المللی در سال ۲۰۰۷ عبارت است از «منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی باهدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به‌منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰: ۲-۱۵). در بین جنگ‌افزارهای نوین، سلاح‌ها و فناوری‌های میکروبی بیش از سایر موارد، مورد توجه تشکلهای تروریستی قرار گرفته است و در مواردی علیه ساختارهای صنعتی کشاورزی و انسانی جوامع به کار گرفته شده است. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده جرم‌انگاری آن است. در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات ۱۳۹۱ و متعاقباً و به نحو دقیق‌تری در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی این پدیده جرم‌انگاری گردیده است. استفاده از واژه «پخش»، ظهور در اقدام عامدانه و توأم با سوءنیت مرتکب دارد که به‌صورت بالقوه یا بالفعل، هم‌زمان طیف گسترده‌ای از افراد جامعه را در معرض ابتلا به بیماری یا آثار مضر مواد سمی و خطرناک قرار می‌دهد. بر اساس این لفظ و نیز آنچه پیش‌ازاین در رابطه با وسعت و گستردگی آثار نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه گذشت، چنین استنباط می‌شود که آلوده کردن یک یا دو نفر و انتقال فرد به فرد و شبکه‌ای آن بیماری مشمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا نخواهد بود؛ مگر آنکه قائل به این تفسیر شویم که مرتکب دارای قصد خاص شیوع و اپیدمی گسترده بیماری مورد نظر بوده و با علم به اینکه شیوع بیماری، نتیجه‌ی محتمم انتقال آن به فرد واحد است مبادرت به چنین کاری نموده باشد که در این فرض، موقعیت حقوقی وی به عنوان سبب اقوی قابل طرح است؛ در غیر این صورت، تحقق افساد فی الأرض از طریق پخش مواد سمی و میکروبی صرفاً ناظر به مواردی است که در صدر این بند به آن اشاره گردید. به‌عنوان مثال تخلیه مواد سمی و میکروبی داخل مخازن آب آشامیدنی یک شهر، مصداق بارز پخش مواد سمی و میکروبی است. در رابطه با فقدان شرط گسترده بودن به معنای تعدد اعمال مجرمانه در این فرض، شاید بتوان این گونه پاسخ داد که هرچند به‌ظاهر بیش از یک فعل

مجرمانه مرتکب نشده است، لکن مرتکب با علم به توزیع درون شبکه‌ای آب مبادرت به چنین عملی نموده است؛ گویی چنین فردی آب آلوده به مواد سمی و میکروبی را طی افعال جداگانه، در معرض مصرف افراد متعددی قرار داده است و توصیف عرفی از چنین عملی، تعدد افعال مجرمانه خواهد بود.

۲-۲-۵. دایر کردن مراکز فساد و فحشاء

در رابطه با این شکل از تحقق افساد فی‌الأرض، اشاره به این نکات حائز اهمیت خواهد بود:
الف) لفظ دایر کردن، ظهور در تأسیس، راه‌اندازی و اداره نمودن مراکز مذکور دارد و مباشرت در هر یک از این موارد، تحت شمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا قرار خواهد گرفت. با این حال، اشخاصی که در این مراکز هرچند به‌طور مکرر مرتکب فساد و فحشا گردند، از شمول حکم این مستند قانونی خارج هستند.

ب) کلیه اماکنی که فاقد ساختار و مدیریت عرفی نسبتاً منسجم برای هدایت و نظارت بر فعالیت‌های نامشروع خود هستند و به‌صورت موقتی برای ارتکاب فساد و فحشا اختصاص یافته‌اند، ویژگی مرکز را نداشته و مشمول این ماده قانونی نخواهند بود.

پ) واژه مراکز جمع مرکز است؛ از این رو علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های فوق، بر لزوم تعدد گستردگی دامنه فعالیت‌های مرتکب در امر فساد و فحشا دلالت دارد.

ت) فحشا عرفاً بر روابط نامشروع و اعمال منافی عفت خاص همچون زنا، لواط و مساحقه دلالت دارد. با این حال، فساد متضاد صلاح و به بیرون رفتن چیزی از حد اعتدال تفسیر شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۶) و دامنه مصادیق آن گسترده‌تر از فحشا است؛ بنابراین فساد اعم از فحشا و رابطه میان آن دو عموم و خصوص مطلق است. در نتیجه دایر کردن مراکز به منظور استعمال مواد مخدر، شرب خمر و قمار که جملگی از مفاسد اجتماعی مجرمانه تلقی شده، داخل در عنوان مراکز فساد خواهد بود، لکن دایر کردن چنین مراکزی باهدف ترغیب مردم به ترک واجبات با رعایت تفسیر مضیق نصوص جزایی مشمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا نخواهد بود؛ چراکه چنین تفسیر

گسترده‌ای از عنوان فساد، هر عملی را که در مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس باشد، در بر گرفته و دایرکنندگان آن را مصداق مفسد فی الأرض خواهد نمود.

۲-۶. معاونت در مصادیق مجرمانه ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

معاونت در مصادیق مجرمانه ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، بنا به صراحت موجود که مقرر می‌دارد: «یا معاونت در آنها می‌گردد»، در صورت وجود سایر شرایط قانونی، مصداق افساد فی الأرض خواهد بود. در مقابل مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی که حکایت از ممنوعیت به کارگیری و اعمال دو نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در خصوص جرم معاونت در افساد فی الأرض دارد، مؤید تعزیری بودن مجازات معاونت در جرم افساد فی الأرض است؛ چراکه مجازات‌های حدی، بدون نیاز به تصریح قانون‌گذار از شمول مقررات حاکم بر مجازات‌های تعزیری خارج خواهد بود. به دیگر بیان به موازات اینکه معاونت در افساد فی الأرض با رعایت سایر شرایط مقرر قانونی مجازات مباشرت در افساد فی الأرض را به دنبال خواهد داشت، امکان انطباق معاونت در افساد فی الأرض با بند «الف» ماده ۱۲۷ ق.م.ا نیز وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد ضمانت اجرای قانونی معاونت در جرم افساد فی الأرض در قانون مجازات اسلامی به روشنی معین نشده است. هرچند عدم تعیین مجازات خاص شرعی و قانونی برای معاونت در جرم، شرط لازم جهت استناد به ماده ۱۲۷ ق.م.ا است و بر این اساس می‌توان ماده ۲۸۶ ق.م.ا را مصداق تعیین قانونی تلقی کرده و از شمول ماده ۱۲۷ خارج دانست، لکن در این صورت این اشکال وجود دارد که با تفحص در مستندات فقهی افساد فی الأرض و سایر جرایم حدی، موردی که شارع مقدس به جهت معاونت بر اثم، کیفر معاون را عیناً کیفر مباشر تعیین کرده باشد، نخواهیم یافت. به عنوان مثال فقها با تبیین شرایط و نحوه‌ی تحقق جرایم حدی، به‌رغم ایفای نقش مؤثر از جانب «طلیع»، «ردء» و «هاتک حرز» جرایم حدی محاربه و سرقت را از جانب آنان منتفی دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۰: ۵۷۱). متأسفانه قانون‌گذار با انحراف از این شیوه‌ی پسندیده‌ی فقها و عدول از اصول حاکم بر حقوق جزای عرفی، همچون اصل شخصی بودن مجازات‌ها، آثار و

نتایج زیان بار فعل مجرمانه مباشر را که ارتباط مستقیمی به معاون جرم ندارد به وی تسری داده و میزان مجازات قانونی را بر این اساس مشخص کرده است. مناسب تر آن بود که دامنه‌ی مسئولیت کیفری و میزان مجازات قانونی معاون بر اساس فعل یا افعال ارتكابی او و یا حداقل با تبعیت از مقررات حاکم در باب معاونت به شرح ماده ۱۲۷ ق.م.ا تعیین می‌گردید.

نکته دیگری که اشاره به آن مفید به نظر می‌رسد، ماهیت قابل گذشت برخی جرایم مقدماتی افساد فی الأرض است. مطابق ماده ۱۰۰ ق.م.ا، در صورت اعلام گذشت شاکی، صدور قرار موقوفی تعقیب یا اجرا الزامی است. چنانچه متهمی به لحاظ ارتكاب جرایم متعدد قابل گذشت از قبیل تخریب و نشر اکاذیب، در مظان اتهام افساد فی الأرض قرار گیرد، اعلام گذشت تمامی شکات، چه اثری بر جرم افساد فی الأرض و فرایند تحقیقات مقدماتی آن خواهد گذاشت؟ به نظر می‌رسد که اعلام گذشت شکات، مؤثر در عدم تحقق جرم افساد فی الأرض نیست؛ چرا که جرایم قابل گذشت مذکور در ماده ۲۸۶، صرفاً مقدمه و طریق تحقق افساد فی الأرض می‌باشند و به محض تحقق یا امکان تحقق جرم افساد فی الأرض امکان تحقیق و رسیدگی به آن از جانب مراجع قضایی امکان پذیر است. در واقع افساد فی الأرض با داشتن عنوان مستقل قانونی و با ارکانی متفاوت از جرایم مقدماتی آن، حتی با فرض گذشت شاکی و زوال جرایم مقدماتی امکان تحقق و بقاء را خواهد داشت. جرم افساد فی الأرض، بیش از هر چیز تابعی از آثار و نتایج اعمال مجرمانه و قصد خاص مرتکب است و اعلام گذشت شاکی صرفاً موجب سقوط مجازات تعزیری افعال مجرمانه قابل گذشت است و آثار و نتایج افعال زیان بار مرتکب در سطح جامعه را زائل نخواهد کرد. وقوع جرم و تبعات منفی آن در سطح جامعه، واقعیتی است که با اعلام گذشت شاکی تغییری در آن حاصل نخواهد شد.

۳. تعدد جرم افساد فی الأرض

به موجب ماده ۱۳۴ ق.م.ا، قواعد حاکم بر تعدد جرم به عنوان یکی از کیفیات عام تشدید مجازات، دچار تغییرات گسترده‌ای شد که نه تنها دیگر ماهیت مشدد ندارد، بلکه تحت شرایطی در نحوه‌ی

اعمال مجازات‌های تعزیری عاملی مخففه تلقی می‌گردد. به‌عنوان مثال، چنانچه شخصی مرتکب جرایم نشر اکاذیب، جاسوسی و تخریب گردد، مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با تجمع مجازات قانونی هر سه جرم ارتكابی روبه‌رو می‌گردید حال آنکه براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضمن تعیین حداکثر میزان مجازات قانونی برای هر سه جرم ارتكابی، صرفاً با مجازات اشدّ در میان جرایم ارتكابی مواجهه خواهد شد؛ بنابراین تردیدی نیست ادغام کیفرهای تعزیری ناشی از ارتكاب جرایم غیر مشابه، تخفیفی قانونی در حق مجرمین است. در عین حال تعدد افعال مجرمانه به شرح مباحث پیشین، به‌عنوان ضابطه عینی جهت تحقق افساد فی الأرض تلقی شده و در شرایط مشابه، مرتکب جرایم متعدد تعزیری را در مظان اتهام افساد فی الأرض قرار خواهد داد. در چنین شرایطی قانون‌گذار با اعمال ضابطه ذهنی به مفهوم توجه به انگیزه بزه‌کار به کیفیت موجود در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به دنبال افتراق میان فروض فوق بوده است؛ لکن فقدان معیار و سازوکار مشخص قانونی جهت ارزیابی و احراز سوءنیت خاص متهم، نتیجه‌ای جز غلبه‌ی ضابطه‌ی عینی و تفسیرهای متفاوت و به دنبال آن تکثر رویه‌ی قضایی در نحوه اثبات این جرم در پی ندارد. در واقع غالب مجرمینی که دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی بوده و به لحاظ تمایلات و کشش‌های درونی نقض پی‌درپی قوانین کیفری را تجربه می‌کنند، بدون اینکه خواستار تحقق نتایج و آثار منفی موجود در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا باشند، در این دسته قرار می‌گیرند. این در حالی است که ارتكاب اعمال مجرمانه به کیفیت مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا و تلاش جهت تحقق اهداف و نتایج مذکور در این مستند قانونی، نوعی فعالیت منسجم و هدف‌مند را به ذهن متبادر می‌سازد که غالباً در جرایم امنیتی متصور است.

برآمد؛

قانون‌گذار به‌رغم چالش‌های نظری عمیق و گسترده در خصوص مبانی و مستندات فقهی افساد فی الأرض و تفکیک آن از جرم محاربه، نهایتاً به‌موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مبادرت به جرم‌انگاری و تبیین شرایط و ارکان آن در قالب مستندی عام نموده است. اعمال

توأمان دو ضابطه‌ی عینی به مفهوم جایگاه محوری تعدد و تکرار افعال مجرمانه مستنبط از عبارت «گسترده» در صدر ماده و توجه به گستردگی آثار و نتایج زیان‌بار، مستنبط از عبارت «عمده» در ذیل آن و نیز ضابطه‌ی ذهنی به مفهوم لزوم احراز قصد خاص مجرمانه مشخص در مرتکب، وجه تمایز اساسی و از نکات مثبت این مستند قانونی در مقایسه با مصداق‌گرایی پیشین قانون‌گذار تلقی شده و از این جهت که تا حدودی ابهامات موجود پیرامون کیفیت تحقق افساد فی الأرض مذکور در سایر قوانین خاص جزایی را مرتفع نموده است، مثبت ارزیابی می‌گردد. با این حال، بیم اختلاط وصف تعدد مادی در جرایم تعزیری با افساد فی الأرض به دنبال دشواری در اعمال ضابطه‌ی ذهنی و غلبه ضابطه‌ی عینی، تصریح به تحقق افساد فی الأرض از طریق معاونت در اعمال مجرمانه و تعیین مجازات تعزیری بدون لحاظ اصل قانونی بودن جرم و نیز عدم رعایت قواعد بر نحوه‌ی نگارش قوانین کیفری به شرح مندرج در فراز پایانی تبصره این مستند قانونی، مواردی است که باید تدابیر لازم به منظور اصلاح آن‌ها از جانب قانون‌گذار اتخاذ گردد.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- بای، حسینعلی (۱۳۸۵)، «افساد فی الأرض چیست، مفسد فی الأرض کیست؟»، فصلنامه فقه و حقوق، تابستان ۱۳۸۵ شماره ۹: صص ۵۸-۲۹.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴)، «افساد فی الأرض ابهام موضوعی و مفاصد عملی»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، شماره ۲ و ۳: صص ۴۴-۲۰.
- سالاری، مهدی (۱۳۸۴)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- شهری، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۸)، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، دو جلد، جلد اول، چاپ دوم، تهران: ناشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی ۱: جرایم علیه اشخاص «صدمات جسمانی»، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۲)، کلیات آیین دادرسی کیفری، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات جنگل.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجد.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰)، تروریسم زیستی: انواع، انگیزه‌ها و راه‌های مقابله با آن، تهران، کد موضوعی ۲۸۰ شماره مسلسل ۱۲۰۴۰.
- معین، محمد (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میلاد.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، مجموعه استفتائات جدید، نشر مدرسه الامام علی (ع).
- منتظری، حسینعلی (بی تا)، رساله استفتائات: قم.
- مؤسسه آموزشی پژوهشی قضاء قم، نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، نسخه اول کد سؤال ۶۴۸۴.

- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۰)، مسئولیت کیفری، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی (۳): جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰هـ.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۴)، حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، چاپ چهارم، تهران: نشر امیرکبیر.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸)، بایسته‌های فقه جزا، تهران: نشر میزان.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۶) «محارب کیست محاربه چیست؟»، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۱۱-۱۲ پاییز و زمستان ۱۳۷۶، صص ۲۰۰-۱۴۴.

قوانین:

- قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۸
- قانون مجازات اخلال گران در امنیت پرواز هواپیما و خراب کاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹
- قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸
- قانون مجازات اخلال گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳/۲/۲



The Legal - Judicial Challenges of the Crime of Corruption on the Earth (*Ifsad fi al-Arz*) in the Islamic Penal Code 1392

Muhammadreza rahbarpour¹ – Hussein Nour Muhammadi²

(Received: 18/ 8/ 2016 - Accepted: 25/ 9/ 2017)

Abstract

In the wake of the approval of the Islamic Penal Code (IPC) in 1392 and under Article 286, the crime of corruption on earth, with general documentation, was added to the collection of criminal categories and, in practice, ended the theoretical discussions regarding separating or not separating it from waging war. Although there are numerous serious legal criticisms concerning the foundations of this new approach, this action compared to previous instances is considered a considerable effort to observe the principle of legality of crime and punishment. The admission of corruption on earth as an independent crime deserving punishment, requires the legal document, regardless of the legal issues and opposing views, to be criticized legally and its unknown aspects should be discovered. The unbridled development of the ways of the realization of the material element of the crime; neglecting the different quality of the realization of this crime in the Penal Code with its instances in other special criminal laws; the lack of tangible and measurable criteria to differentiate between multiple the defendant who commits multiple crimes and benefits from the law of the multiplicity of crimes and its merged effects and the defendant who is, in a similar situation, suspected to commit corruption on earth; and finally, the use of interpretable terms and phrases such as "widely" and "largely" are only a part of the legal - judicial challenges and ambiguities of this legal document.

Keywords: The crime deserving punishment corruption on earth, The elements of the crime of corruption on earth, The multiplicity of the crime of corruption on earth.

1. Assistant professor in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran (Corresponding Author): rahbarpour@atu.ac.ir

2. MA. in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran.